

چهارده‌گانه‌ی هدایت در سیره و سبک زندگی امام حسن عسکری (ع)

محمد عابدی

مهتدی^۵ نیز رو به رو می‌شویم که گویای همان وظیفه اصلی امامت (تداوم هدایتگری بشریت) است. در این مقاله برگه‌هایی از کارنامه هدایتگری حضرت را مرور می‌کنیم. تفاوت اساسی ائمه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چگونگی هدایتگری و انجام

امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین ستاره هدایتی است که در آسمان امامت درخشید و هدایت عملی مردم را عهده دار شد. از اینرو در کنار القاب متعدد آن حضرت که هر یک گویای بُعدی از شخصیت عظیم اوست، مانند: عسکری، رفیق، زکی، فاضل، امین، میمون، تقی، طاهر، مؤمن بالله، صادق، صامت، امین علی سرّ الله، علام، ولی الله، سراج اهل الجنة، خزانه الوصیین،^۱ مُضی، شافی، مرضی، خالص، خاص، تقی، شفیع، سخی، مؤفی و مستودع^۲، ما با القابی چون: ناطق عن الله^۳، مرشد الی الله^۴، هادی و

۱. این القاب ریشه روایی دارند. ر.ک: با خورشید سامرا، ص ۲۹ تا ۳۴.
۲. این القاب ریشه روایی ندارند و در کتب تراجم و رجال و تاریخ به تناسب به آن حضرت اطلاق شده‌اند. همان، ص ۳۴.
۳. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۲.
۴. همان، ص ۳۴۸.
۵. دلائل الامامة، ص ۲۲۳ (این دو لقب ریشه روایی ندارد).

مخاطبان نیز کاهش می‌یابد؛ لذا امام علی علیه السلام می‌فرمود: «إِنَّ الْوَعظَ الَّذِي لَا يُمْجُهُ سَمْعٌ وَلَا يَعْدِلُهُ نَفْعٌ مَا سَكَتَ عَنْهُ لِسَانُ الْقَوْلِ وَنَطَقَ بِهِ لِسَانُ الْفِعْلِ»^۱ اندرزی که هیچ گوشی آن را ناخوش ندارد و هیچ سودی با آن برابری نکند، اندرزی است که زبان گفتار در مورد آن ساکت و زبان رفتار به آن گویا باشد. درخشنده‌ترین جلوه هدایت در سیره امام حسن عسکری علیه السلام نیز مربوط به همین نوع هدایت است.

شیخ مفید به نقل از محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن موسی بن جعفر می‌نویسد: زمانی که ابو محمد علیه السلام زندانی بود، عباسیان نزد صالح بن وصیف آمدند و گفتند بر او سخت بگیر! صالح گفت: چگونه چنین کنم! من دو نفر از بدترین انسانها را که می‌شناختم، مأمور او کردم، ولی آن دو حالا به عبادت و روزه روی آورده‌اند و در حدی عالی به آن پایبندند. صالح دستور داد آن دو را حاضر کنند و آن‌گاه پرسید: وای بر شما! چرا با این مرد

رسالت قرآنی، به موضوع حاکمیت بصرمی‌گردد. ائمه به دلیل نداشتن حاکمیت با مشکلات بسیاری رویارو بودند. از این رو، وظیفه هدایتگری را با ابزارها و شیوه‌های بسیار متنوعی که متناسب با شرایط عصر و زمان بود، به پیش می‌بردند. ناآرامی‌های داخلی در کنار اختناق، ویژگی عمده عصر امام عسکری است و آن حضرت در یکی از سخت‌ترین شرایط پیش آمده برای سلسله امامت، به هدایت امت می‌پرداخت.

جلوه‌های هدایت در سیره و سخن

امام عسکری علیه السلام

۱. هدایت با رفتار و کردار

کارآمدترین ابزار تأثیر در هدایت، رفتار و کردار هدایتگران است. این سخن از امام صادق علیه السلام را به یاد آوریم که «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ الدَّعْوَةِ كُنَيْدِمْ»^۱ و هر چه ایمان و عمل قوی‌تر شود، تأثیر پذیری مخاطبان فزون‌تر خواهد گشت و هر چه از میزان هماهنگی بین عمل هدایتگران و سخنان آنان کاسته شود، تأثیرپذیری

۱. الکافی، ج ۲، ص ۷۸.

۲. غررالحکم و درر الکلم، ح ۴۵۶۰.

کلینی رحمته الله بشنویم که می‌گوید: «ابو محمد علیه السلام نزد علی بن نارمش که از کینه‌توزترین مردم نسبت به خاندان ابوطالب بود، زندانی شد. به او گفتند: با او [امام] سخت گیر باش! امام تنها یک روز نزد او بود که علی بن نارمش تسلیم حضرت شد و چون تحت تأثیر امام بود، به چهره حضرت نمی‌نگریست. وی در حالی از نزد امام بیرون رفت که با بصیرت‌ترین مردم بود و بیش از دیگران به عظمت و فضائل امام پی برده بود.»^۲

۲. استفاده از شیوه نامحسوس

امام حسن عسکری علیه السلام به دلیل خفقان عصر، از شیوه‌های نامحسوس و پنهان بیشتر سود می‌برد و امور امت را مخفیانه اداره می‌کرد. گاه پیش می‌آمد که بعد از سالها مردم و خلفا متوجه هدایت شدن مسیحیان و... می‌شدند.^۳ زمانی به بازسازی روحی و

۱. ارشاد، ص ۳۴۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۰۶؛

بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۰۸.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۰۸؛ اثبات الهداة، ج ۳،

ص ۴۰۲.

۳. سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۶۰؛ حلیه الابرار،

ج ۲، ص ۴۹۸.

هر چه ایمان و عمل
قوی تر شود، تأثیر
پذیری مخاطبان
فزون تر خواهد گشت و
هر چه از میزان
هماهنگی بین عمل
هدایتگران و سخنان
آنان کاسته شود،
تأثیرپذیری مخاطبان

نیز کاهش می‌یابد

چنین مهربانانه رفتار می‌کنید؟! گفتند: درباره مردی که روزها را روزه می‌گیرد و تمام شب را به عبادت می‌گذراند! او ساکت است و عبادت می‌کند و هر لحظه به او می‌نگریم، لرزه به اندامان می‌افتد. عباسیان وقتی این سخنان را شنیدند، ناامید شدند و بازگشتند.^۱

باشکوه‌ترین جلوه هدایت از طریق رفتار عملی را به نقل از شیخ

اعتقادی هدایتگران شیعی می پرداخت و در مواقعی هم به کنترل و رفع نواقص کار آنان مشغول می شد.

محمد بن ربیع شائی می گفت: با یکی از ثنویها^۱ در اهواز به بحث و مناظره پرداختم؛ در حالی که تا حدودی تحت تأثیر سخنان آن شخص قرار گرفته بودم به سر من رای (سامرا) رفتم. در خانه احمد بن خصیب نشسته بودم که امام ابو محمد علیه السلام را دیدم که از حضور در جمع مردم به خانه اش باز می گشت. وقتی به نزدیکی من رسید، نگاهی به من کرد و با انگشت سیبانه اش اشاره فرمود: احد، احد، فرد.^۲

۳. استفاده از ظرفیتهای امامت

امام حسن عسکری علیه السلام از کرامت هم برای هدایت بهره می برد و به شیوه های گوناگون در تصحیح عقاید و هدایت امت می کوشید. علامه مجلسی از ادریس بن زیاد نقل می کند: درباره آنان (ائمه) خیلی تندروی می کردم. روزی برای دیدار ابو محمد علیه السلام روانه سامرا شدم و از شدت خستگی بر پلکان حمامی به خواب فرو رفتم. با ضربه عصای مخصوص ابو محمد علیه السلام

بیدار شدم. ایشان را شناختم و بلند شدم. امام سوار بود و غلامان پیرامونش را گرفته بودند. پشت پا و زانوی حضرت را بوسیدم و این نخستین برخورد من با ایشان بود. به من فرمود: ای ادریس! «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»^۳ «بلکه آنان (فرشتگان) بندگان گرامی داشته شده اند و در گفتار بر او سبقت نمی گیرند و به فرمان وی عمل می کنند.» عرض کردم: مولای من، همین مطلب مرا بس است و تنها برای پرسیدن آن آمده بودم.^۴

۴. پاسخ به شبهات

از دیگر جلوه های هدایت امام می توان به پاسخ گویی حضرت به پرسشها و شبهات پیرامون اعتقادات و مسائل دینی اشاره کرد. آن حضرت از این طریق پاسدار دین در برابر شبهات بود و گوهر بی غبار دین را در اختیار

۱. دوگانه پرست (نور و ظلمت).

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۱۱، ح ۲۰؛ خراسنج، ج ۱، ص ۲۴۵.

۳. انبیاء / ۲۶.

۴. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۸۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۸.

امت جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار می‌داد. ابوهاشم جعفری می‌گوید که از امام پرسیدم: چرا ارث زن یک سهم و مرد دو سهم است؟ فرمود: چون جهاد و پرداخت مخارج به عهده زن نیست و نیز پرداخت دیه قتل خطا بر عهده مردان است و چیزی بر زن نیست.^۱

همین طور در نامه‌ای به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری (از یاران حضرت) به شبهاتی پیرامون واجبات مالی (مانند خمس و زکات...) پاسخ می‌دهد و می‌نویسد:

«به راستی که خدا از منت و رحمتش، واجباتی را بر شما مقرر کرد، نه به خاطر نیازی که به آنها داشت، بلکه به جهت محبت به شما - که جز او شایسته‌ترستش نیست - تا بد را از خوب جدا کند و آنچه را در دل دارید، بیازماید و برای رسیدن به رحمت خدا بر همه سبقت گیرید و مایه تفاضل مقامهای بهشتی شما شود، لذا حج و عمره و اقامه نماز و پرداخت زکات و انجام روزه و پایبندی به ولایت را بر شما مقرر داشته است. برای فهمیدن فرائض دری را به سوی شما گشوده

است و کلیدی برای رسیدن به آنها قرار داده است. اگر محمد صلی الله علیه و آله و اوصیای از فرزندان نبودند، شما سرگردان می‌شدید و همچون حیوانات هیچ یک از واجبات را نمی‌دانستید. آیا برای ورود به شهر راهی جز دروازه وجود دارد؟ پس وقتی خدا بر شما با نصب امامان - پس از پیامبر - منت نهاد، در کتاب بزرگ خود فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۲، او همچنین برای اولیای خود بر شما حقوقی مقرر داشته که شما را مأمور به ادای آن فرموده است تا آنچه از همسر و اموال و خوردنی و آشامیدنی دارید، بر شما حلال باشد. خدا فرموده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^۳ و بدانید هر که بخل ورزد، به خود بخل ورزیده است و خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید...»^۴

۱. پیشوای یازدهم، ص ۲۴، نقل از اعلام الوری،

نجف، ص ۲۷۴.

۲. مانده/۳.

۳. شوری/۲۳.

۴. تحف العقول، ص ۴۸۵.

۵. افشاگری برای حفظ دین

از فتنه هایی که در عصر معتمد پیش آمد و کیان مسلمین را در خطر قرار داد، موضوع جاثلیق مسیحی بیش از همه مورد توجه بود؛ به گونه ای که اسلام را در آستانه تزلزل قرار داد و اگر نبود افشاگری امام حسن علیه السلام، خطری بزرگ دین اسلام را به ورطه ذلت می کشاند. امام با اینکه مظلوم واقع شده و خلافت از وی دریغ شده و در اختیار عباسیان بود، برای حفظ دین قیام کرد و چراغ هدایت را روشن نگاه داشت. ابن صباغ مالکی آورده است که ابو هاشم گفت: زندانی شدن ابو محمد علیه السلام چندان نپایید که مردم سر من رای (سامرا) دچار قحطی شدیدی شدند. معتمد علی الله، پسر متوکل، دستور داد مردم برای طلب باران از شهر بیرون روند. مردم سه روز طلب باران کردند، اما باران نیامد. روز چهارم چاثلیق مسیحی همراه مسیحیان و راهبان به صحرا رفت. راهبی میان آنان بود که هر گاه دست به آسمان می گشود، باران سیل آسामी بارید. روز دوم هم به همین منظور بیرون رفتند و

باران فراوانی بارید؛ چنان که مردم سیراب شدند و درخواست کردند باران قطع شود. این ماجرا موجب شگفتی و تردید مسلمانان شد و گروهی به مسیحیت متمایل شدند. خلیفه شخصی را نزد صالح بن وصیف فرستاد و گفت: ابو محمد حسن بن علی را از زندان آزاد کن و او را نزد من بیاور. وقتی امام آمد، خلیفه گفت: امت محمد علیه السلام را از این هلاکت و بدبختی رها کن. امام فرمود: به آنها بگو فردا هم از شهر بیرون روند. خلیفه گفت: وقتی مردم از باران بی نیاز شده اند، برای چه بیرون بروند؟ فرمود: برای اینکه شک را از آنان بزدایم و از ورطه ای که در آن گرفتار آمده و با آن عقل و اندیشه ساده لوحان را به تباهی کشیده اند رها سازم. به این ترتیب، روز بعد هم آنان بیرون رفتند و امام با جمعیتی انبوه از مسلمانان نیز از شهر خارج شد.

نصارا طبق معمول درخواست باران کردند و آن راهب دستهایش را به آسمان بلند کرد و نصارا و راهبان نیز دست به دعا برداشتند. همان زمان ابری پیدا شد و باران آمد. امام دستور

عسکری علیه السلام در حضور جمعی هفتاد نفری از زائران کربلا که به مناسبت تولد حضرت حجت به سامرا و خانه حضرت آمده بودند، بی آنکه آنان بپرسند، فرمود: برخی از شما می‌خواهند درباره اختلاف بین شما و دشمنان خدا و ماکه اهل قبله و مسلمان هستند، بپرسند. از این رو، شما را در جریان آن اختلافها قرار می‌دهم و شما دقت کرده و بدان پی ببرید. گفتند: آری ای مولای ما! به خدا سوگند در نظر داشتیم همین مطلب را بپرسیم. فرمود: خدای عزوجل به رسولش وحی فرمود: تو و علی و فرزندان او را که حجتهای من هستند و پیروان آنها را، به ده ویژگی اختصاص دادم:

۱. پنجاه و یک رکعت نماز؛ ۲.
- انگشتی به دست راست کردن؛ ۳.
- تعقیب بعد از نماز؛ ۴. اذان و اقامه را دو
- تا دو تا گفتن؛ ۵. گفتن حی علی
- خیر العمل؛ ۶. بلند گفتن بسم الله

داد دست راهب را بگیرند و آنچه در دست دارد، خارج سازند. وقتی چنین کردند، دیدند استخوانی میان انگشتان اوست. آن را گرفتند و نزد امام آوردند. حضرت آن را در پارچه‌ای پیچید و به راهب فرمود: حالا درخواست باران کن. او درخواست کرد، اما باران نیامد. بلکه ابرها هم کنار رفت و خورشید پیدا شد. مردم شگفت زده شدند و خلیفه از امام علت آن را پرسید، فرمود: در دست او قطعه‌ای از استخوان یکی از پیامبران خدا بود که از قبور انبیا به دست آورده‌اند. هرگاه استخوان پیامبری زیر آسمان ظاهر شود، باران سیل آسا می‌بارد. مردم با گفتار امام آرام شدند و دلهاشان مطمئن شد.^۱

۶. یادآوری سنتهای متروک

از دیگر شیوه‌های هدایت در سیره امام عسکری علیه السلام، بیان سنتهای متروک بود. آن حضرت با این شیوه، غبار غربت از احکام و فرائض الهی می‌زدود و آنها را بار دیگر به صحنه اجتماع می‌کشاند، شیوه‌ای که در هر عصر و دوره‌ای هدایتگران الهی، موظف به پیگیری آن هستند. امام

۱. الفصول المهمة، ص ۲۶۸؛ صواعق المحرقة، ص ۲۰۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۵ (به اشتباه متوکل ذکر شده است)؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۱۹ (با تفاوت).

اندرزی که هیچ گوشی آن را ناخوش ندارد و هیچ سودی با آن برابری نکند، اندرزی است که زبان گفتار در مورد آن ساکت و زبان رفتار به آن گویا باشد.

خواندند و به جای خضاب کردن موی سر و صورت آن را رها کردند. بیشتر حاضران گفتند: ای سرور! شما غم و اندوه ما را برطرف ساختید.^۱

بعد از آن هم امام سنّهای متروک دیگری را یادآور شد و به بدعتهای جایگزین اشاره کرد. که از جمله آنها، گفتن چهار تکبیر در نماز میت به جای پنج تکبیر بود.

ادامه دارد....

الرحمن الرحیم؛ ۷. قنوت در نماز؛ ۸ خواندن نماز عصر هنگام آفتاب روشن و صاف (وسط روز)؛ ۹. خواندن نماز صبح هنگام دمیدن سپیده که هوا هنوز تاریک است؛ ۱۰. خضاب کردن موی سر و صورت.

آن مرد که حق ما را غصب کرد، با گروه خود در نماز با ما به مخالفت پرداختند و عوض پنجاه و یک رکعت نماز در هر شبانه روز، نماز تراویح را در شبهای ماه رمضان قرار دادند و به جای تعقیب بعد از نماز، دست بر سینه گذاشتن را تشریح کردند و عوض انگشتر به دست راست کردن، آن را به دست چپ کردند. در اذان و اقامه عوض دو بار گفتن فقرات اقامه، فقط اقامه فرادا را انتخاب کردند و به جای «حی علی خیر العمل»، الصلوة خیر من النوم گفتند. عوض بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم»، آن را آهسته گفتند و قنوت را حذف کردند. نماز عصر را به خلاف زمانی که هوا آفتابی و روشن و صاف است، هنگام زردی خواندند و نماز صبح را به جای سپیده صبح و تاریکی هوا، هنگام ناپدید شدن ستارگان

۱. هداية الكبرى، ص ۳۴۴.